

دو هدف پشت پرده ترور

ترور شهیدان علی رازینی و محمد مقیسه، دو قاضی عالی‌رتبه دیوان عالی کشور در صبح شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳، جامعه ایران را در بهت فرو برد. این اتفاق تروریستی که با نفوذ یک فرد مسلح تروریست به عنوان کارمند خدماتی به دیوان عالی کشور انجام شد، بار دیگر خاطره ترورهای انجام

ترورها به کدام سو می‌رود؟

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران گروه‌های معارض تلاش کردند با هدف قرار دادن افراد کلیدی که نقش مؤثری در هدایت و شکل‌دهی نهضت داشتند، مانع از ریشه‌دواندن و گسترش اندیشه‌های انقلاب اسلامی در جامعه ایرانی شوند. ترورهایی که در ابتدای انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و منجر به شهادت چهره‌هایی چون شهیدان محمد مفتاح و مرتضی مطهری شد، نمونه‌هایی از تلاش دشمن برای از بین بردن اندیشمندان و متفکرانی بود که در مسیر هدایت انقلاب و تبیین اصول آن نقش بسزایی داشتند.

به عبارتی دیگر این جنایات و ترورها، باعث ایجاد خلأ فکری در جامعه شد که پر کردن آن نیازمند زمان و تلاش مضاعف بود. از سوی دیگر، دشمن با ایجاد رعب و وحشت در دل مردم و ناامن کردن فضای جامعه، تلاش کرد وحدت و همدلی جامعه ایرانی را که برآمده از انقلاب اسلامی بود، از بین برده و روحیه مردم را تضعیف کند. ترورهای منافقین و البته ورود به خانه‌های مردم برای کشتن افراد مذهبی و انقلابی، نمونه‌هایی از این نوع ترورها هستند.

عباس سلیمی نمین

پژوهشگر تاریخ

که در ابتدای انقلاب موجب ایجاد فضای رعب و ترس در جامعه شد. حالا در شرایط کنونی، دشمنان بویژه رژیم صهیونیستی که پس از مدت‌ها جنایت در غزه به اهداف خود نرسیده‌اند، به ترور به عنوان آخرین راه‌حل روی آورده‌اند تا شاید بتوانند تأثیری بر روند رو به رشد مقاومت و جبهه ضداسرائیلی بگذارند. اما این ترورها نه تنها به موفقیت نخواهد رسید، بلکه ضعف و شکست بیشتر دشمن را نمایان خواهد ساخت. اغلب کارشناسان و تحلیلگران معتقدند که پس از شکست رژیم صهیونیستی در لبنان و فلسطین، احتمالاً

استراتژی ترور گسترده در یمن، ایران، عراق و سایر کشورها تقویت خواهد شد. سابقه ترورهای اسرائیل در طول تاریخ بسیار سنگین است، از ترور نماینده سازمان ملل که طرفدار ایده دو دولتی در فلسطین بود تا دانشمندان غربی و دیگران، این سابقه سنگین را تشکیل می‌دهد. برای مثال «رونن برگمن» در کتاب «برخیز و اول تو بکش» آمار و گزارش تعداد قابل‌توجهی از ترورهای صهیونیست‌ها را، البته برای ایجاد رعب و وحشت در میان

شده در تاریخ جمهوری اسلامی رازنده کرد. مشخصاً در طول تاریخ ۴۶ ساله انقلاب اسلامی ایران، ترورهایی که علیه جمهوری اسلامی و مردم رقم خورده است، با دو هدف اصلی انجام شد: اول حذف نیروهای فکری و مولد اندیشه در جبهه انقلاب، و دوم ایجاد رعب و وحشت در دل مردم.

مخالفان این رژیم، مکتوب و منتشر کرده است. بنابراین، بحث در مورد تقویت یا کاهش ترورهاست و اینکه هیچ‌گاه ترور از دستورکار دشمنان جمهوری اسلامی و انقلاب خارج نشده است. بر این اساس، تحلیل‌ها حاکی از تشدید ترورهاست و طبیعتاً یکی از مکان‌های مورد نظر برای تشدید ترورها، ایران خواهد بود. در پی اتخاذ این استراتژی نیز منافقین یا سازمان موسوم به مجاهدین خلق، به دلیل سابقه‌ای که در انجام ترور دارند، یکی از ابزارهای ترورهایی به شمار می‌روند که عمدتاً در خدمت پیشبرد اهداف اسرائیل قرار دارند. کارکرد اصلی منافقین اما جمع‌آوری اطلاعات در زمینه ترور یا مشارکت در عملیات‌های ترور است. تاریخ چند دهه گذشته نشان داده که منافقین به عنوان یک ابزار، گاهی در خدمت آمریکایی‌ها و گاهی اروپایی‌ها قرار می‌گیرند. اما در حال حاضر شرایط فرق کرده و خدمات منافقین عمدتاً در اختیار صهیونیست‌هاست. علاوه بر آنکه خود صهیونیست‌ها نیز تیم‌های ترور باتجربه و با سابقه طولانی در اختیار دارند. در هر حال بدون شک منافقین نیز یکی از ابزارهای آنان به شمار می‌روند و نقشی حرفه‌ای در این زمینه ایفا می‌کنند.

تاکتیک بی‌فایده منافقین

باید به این نکته توجه داشت که منافقین امروز دیگر در وضعیتی نیستند که مانند دهه ۶۰ خودشان به صورت مستقل کار کنند. دلیل عمده این امر هم این است که آنان در اروپا به عنوان یک ابزار گردآوری اطلاعات برای سرویس‌های جاسوسی اروپایی در حال نقش آفرینی هستند.

اگر مانند گذشته به صورت مستقیم در ترورها نقش آفرینی کنند، کار برای اروپایی‌ها در راستای بهره‌برداری از ظرفیت جاسوسی آنان سخت می‌شود. بنابراین در فاز جدیدی که می‌خواهند خودشان را یک تشکیلات سیاسی نشان دهند، عمدتاً سعی می‌کنند در ترورهای صهیونیست‌ها یا اقدامات ضد ایرانی غربی‌ها به عنوان ابزار یا عامل مشارکت کنند.

ترور محکوم است

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی

سیاست مدار و نماینده پیشین مجلس

اتفاق تلخی که در سال ۱۴۰۳ رخ داد و شاهدش بودیم اینکه دو قاضی برجسته دارای سوابق ارزشمند و پاکدست در کشور جمهوری اسلامی ایران توسط نیرویی با عنوان خدماتی به شهادت رسیدند.

بعد از این حادثه قضاوت‌های مختلفی را در جامعه دیدیم. هیچکسی حق ندارد خودش قاضی القضاات شود و دست به اسلحه شود این شیوه منافقین است که در خیابان اعدام می‌کردند. البته هنوز ابعاد این قضیه مشخص نشده که آن فرد چرا این کار را کرد. من امیدوارم دیگر شاهد چنین صحنه‌هایی در جامعه نباشیم. آموزش و پرورش باید به بچه‌ها یاد بدهد که همیشه قانون حرف اول و آخر را می‌زند. مجری قانون مشخص شده است ولی در جامعه هرکسی نمی‌تواند مجری قانون باشد. این دو عزیز بیش از ۴ دهه برای کشور زحمت کشیده بودند و ناجوانمردانه به شهادت رسیدند.